

#### یادداشت

یابان عصر تعادل، آغاز امپراتوری مدرن از چن‌دجانبه‌گرایی تا هژمونی یک‌جانبه آمریکا

#### بازتعریف نظم جدید و نقش ترامپ

#### در تثبیت آن



محسن شریف خدائی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

جهان امروز در حال عبور از یکی از پرتنش‌ترین و سرنوشت‌سازترین مراحل تاریخ معاصر خود است. نظامی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت؛ نظامی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی، همکاری بین‌المللی، نهادهای فراملی و توازن قدرت، اکنون در حال فروپاشی است. قدرت‌های نوظهور، بحران‌های اقلیمی، جنگ‌های نیابتی و منطقه‌ای، شکاف‌های تکنولوژیک و بی‌اعتمادی به نهادهای بین‌المللی، همگی نشانه‌هایی از پایان یک عصر و آغاز عصری دیگرند.

در این گذار تمدنی، ایالات متحده آمریکا، به‌ویژه تحت رهبری دونالد ترامپ، نقشی محوری و تعیین‌کننده ایفا کرده است. ترامپ نه تنها از فروپاشی نظم پیشین استقبال کرده، بلکه با مجموعه‌ای از اقدامات نمادین، ساختاری و تهدیدآمیز، در حال بازتعریف نظم جهانی جدید صرفاً به نفع آمریکاست؛ نظامی که دیگر بر پایه گفت‌وگو و اجماع نیست، بلکه براساس اطاعت، فشار و سلطه بنا شده است.

در ایسن نظم جدید، مفاهیمی مانند «ابردردت»، «رهبری اخلاقی» و «همکاری بین‌المللی» جای خود را به «امپراتوری مدرن»، «اقتصاد تسلیحاتی‌شده» و «هژمونی یک‌جانبه» داده‌اند. تصویری است از جهانی که در آن آمریکا نه تنها یک بازیگر قدرتمند، بلکه مرکز تصمیم‌گیری و اعمال سلطه در همه ابعاد -نظامی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین- شده است.

ترامپ در نخستین دوره ریاست‌جمهوری خود با شعار «پایان جنگ‌های بی‌پایان» وارد کاخ سفید شد، اما در دوره دوم، با مجموعه‌ای از اقدامات نمادین و ساختاری، مسیر آمریکا را به سمت بازسازی نوعی امپراتوری مدرن سوق داده است. از تغییر نام وزارت دفاع به «وزارت جنگ» تا تهدید متحدان سنتنی مانند کانادا و اروپایی‌ها، او نشان داد که نظم جهانی مطلوبش نه بر پایه همکاری، بلکه بر اساس اطاعت و سلطه بنا شده است.

یکی از ویژگی‌های بارز نظم ترامپی، بی‌پروایی در تهدید حتی نزدیک‌ترین متحدان است. ترامپ تهدید کرد که کانادا می‌تواند «ایالت آمریکا» شود؛ اظهاری هرچند نمادین، اما نشان‌دهنده ذهنیت توسعه‌طلبانه و بی‌اعتنایی به مرزهای سنتی دیپلماسی بود. او کشورهای اروپایی را بارها به «سواری مجانی» در ناتو متهم کرد و خواستار افزایش بودجه نظامی آنها شد. در غیراین‌صورت تهدید به کاهش تعهدات امنیتی آمریکا کرد. همچنین با خروج از توافق‌نامه‌های چندجانبه بین‌المللی و تضعیف نقش سازمان ملل، نشان داد که نظم مطلوبش بر پایه تصمیمات یک‌جانبه واشتنن استوار است.

کنار تسهیدات نظامی، ایالات متحده با کنترل زیرساخت‌های مالی، فناوری‌های پیشرفته کلیدی و شبکه‌های ارتباطی، توانسته است نوعی سلطه غیرنظامی اما مؤثر بر جهان اعمال کند. ترامپ این ابزارها را به طور بی‌سابقه‌ای برای اعمال فشار بر رقیا و حتی متحدان به کار گرفت؛ از تحریم‌های هدفمند علیه ایران تا تهدید شرکت‌های اروپایی فعال در چین و افزایش تعرفه‌های تجاری بر اغلب کشورهای جهان.

ایران، پس از سال‌ها فرصت برای حل مشکلات و تنش‌زدایی، اکنون در موقعیتی قرار گرفته که مشکلات داخلی ناشی از تحریم‌ها و فشار خارجی ناشی از تهدیدات آمریکا و هم‌پیمانان، آن را به سمت رفتارهای پرخطر و ورود به فاز مقابله و درگیری مستقیم با آمریکا، اسرائیل و غرب سوق داده است. در این نظم جدید، ایران نه تنها با تحریم‌های هدفمند، بلکه با انزوای دیپلماتیک و تهدیدات امنیتی مواجه است؛ نمونه‌ای از کشوری که در نظم یک‌جانبه آمریکا، به‌جای مشارکت، به حاشیه رانده شده است.

براساس تحلیل‌های معتبر بین‌المللی، نظم جهانی در حال بازتعریف است و ویژگی‌های آن به‌تدریج از الگوی همکاری چندجانبه به سمت ساختارهای سلطه‌محور و رقابتی تغییر می‌کند. در این چشم‌انداز نوظهور، اقتصاد و فناوری‌های پیشرفته به ابزارهای قدرت ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند؛ قدرت‌های بزرگ با مداخله‌گرایی منطقه‌ای، نفوذ خود را گسترش می‌دهند؛ نهادهای بین‌المللی و سازوکارهای چندجانبه‌گرایی تضعیف شده‌اند؛ روابط دیپلماتیک سنتنی با تهدید و بازتعریف همراه شده‌اند و سلطه نمادین و فرهنگی از طریق رسانه‌ها، پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های اطلاعاتی به طور فزاینده‌ای اعمال می‌شود. هم‌زمان نظم‌های موازی مانند مدل چینی، اتحادهای منطقه‌ای و بلوک‌های اقتصادی و امنیتی مستقل -شانگهای و بریکس- نیز در حال شکل‌گیری و گسترش‌اند که می‌کوشند در برابر هژمونی یک‌جانبه آمریکا، موازنه‌ای نسبی ایجاد کنند. در این‌میان، سه بازیگر کلیدی -روسیه، چین و جمهوری اسلامی ایران- هر یک با رویکردی خاص در برابر این نظم جدید قرار گرفته‌اند: روسیه با تکیه بر قدرت نظامی و میراث ژئوپلیتیکی شوروی، مسیر تقابل مستقیم را برگزیده است. از جنگ اوکراین تا حضور در سوریه، مسکو تلاش دارد جایگاه خود را در نظم جهانی حفظ کند، هرچند با محدودیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک مواجه است. آمریکا نیز با تحریم‌های گسترده و انزوای دیپلماتیک، در پی مهار این بازیگر سنتی است.

اما چین با دیپلماسی اقتصادی، فناوری‌های پیشرفته و ابتکارهایی مانند «کمربند و راه»، در حال ساختن نظامی موازی است. برخلاف روسیه، یکن از تقابل مستقیم پرهیز کرده و با نفوذ نرم، جایگاه خود را تثبیت می‌کند. واشنگتن نیز با محدودسازی فناوری، افزایش تعرفه‌های تجاری و اتحادهای منطقه‌ای، در تلاش برای کنترل رشد چین است.

ایران، به عنوان بازیگری منطقه‌ای با ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، در مواجهه با نظم جدید، رویکردی مستقل و مقاوم، اما پرهزینه را در پیش گرفته است. با وجود تلاش برای حفظ محور مقاومت و گسترش روابط با چین، روسیه و همسایگان، ایران همچنان با فشارها و تحریم‌های شدید اقتصادی، انزوای دیپلماتیک و تهدیدات امنیتی از سوی آمریکا و متحدان مواجه است. در نظم جدید، ایران بیشتر به عنوان مانع از سوی آمریکا تلقی می‌شود تا شریک. در مجموع، نظم جهانی در حال شکل‌گیری، با محوریت هژمونی یک‌جانبه آمریکا، در حال بازتعریف مرزهای قدرت، روابط دیپلماتیک و ابزارهای سلطه است. آینده روابط بین‌الملل، به میزان موفقیت بازیگران مستقل در ایجاد نظم‌های موازی، حفظ استقلال راهبردی و نحوه مقابله با سلطه نمادین واشنگتن بستگی دارد. این گذار تمدنی، نه تنها ساختار قدرت و نظم جهانی را درگیرن خواهد کرد، بلکه مفاهیم بنیادین سیاست بین‌الملل را نیز بازنویس خواهد کرد. در این‌میان، دونالد ترامپ نخستین رئیس‌جمهور آمریکاست که بی‌پروا یا به عرصه این نظم نوین جهانی گام گذاشته؛ نظامی که خود در شکل‌گیری آن نقش داشته است، اما هنوز روشن نیست که آیا او خواهد توانست این ساختار پیچیده و پرتنش را به سود خود مهار کند، یا در تلاطم‌های آن گرفتار شده و به یکی از قربانیان همان نظامی بدل شود که خود آغازگرش بوده است.

# پس از ۱۰ سال

#### گزارش «شرق» از تضاد روایت‌های سیاسی و حقوقی

#### بعد از پایان برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱

۸ قطع‌نامه، تمامی مفاد آن و قطع‌نامه‌های تحریمی پیشین در تاریخ مقرر منقضی شده‌اند و احیای آنها ممکن نیست. عراقچی خواستار ثبت این موضوع به عنوان سند رسمی شورای امنیت و مجمع عمومی شد و تأکید کرد ایران براساس اصول حقوق بین‌الملل و دیپلماسی چندجانبه به تعامل سازنده پایبند است.

#### یارکشی دو طرف

در سبایه تضاد روایت‌های سیاسی، حقوقی و دیپلماتیک درباره پایان برجام، صحنه بین‌المللی به میدان یارکشی‌های جدیدی بدل شده است؛ جایی که هر یک از دو جبهه می‌کوشند روایت خود را به عنوان فرانت مشروع و مسلط بر ذهن و رفتار نظام بین‌الملل تحمیل کنند. در یک سو، اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای تازه اعلام کرد چند کشور غیرضیر این اتحادیه با تصمیم شورای اروپا برای بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران، در پی اجرای سازوکار پس‌گشت (اسنپک) همسو شده‌اند. در این بیانیه که جمعه‌شب (۲۵ مهر ۱۴۰۴) نسخه‌ای از آن در سایت اتحادیه اروپا منتشر شد، آمده است: «در پی بازاعمال تمامی تحریم‌ها و محدودیت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران از سوی سازمان ملل متحد در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵ (ششم مهرماه ۱۴۰۴)، شورای اتحادیه اروپا تصمیم گرفت تحریم‌های هسته‌ای خود علیه ایران را که براساس برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تعلیق یا لغو شده بودند، بار دیگر برقرار کند.»

شورای اتحادیه اروپا در تصمیم جدید خود اعلام کرده است تدابیر محدودکننده در زمینه واردات نفت خام، گاز طبیعی، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی از ایران، همچنین فروش و تأمین تجهیزات کلیدی مورد استفاده در بخش انرژی، طلا، برخی فلزات و الماس، تجهیزات دریایی خاص و نرم‌افزارهای مرتبط دواتر اعمال خواهد شد. در بخش دیگری از این بیانیه قید شده است: «کشورهای آلبانی، بوسنی وهرزگوین، ایسلند، مولداوی، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی، نروژ، صربستان و اوکراین خود را با این تصمیم شورای اتحادیه اروپا همسو کرده‌اند و اطمینان خواهند داد که سیاست‌های ملی‌شان با این تصمیم منطبق باشد.» اما اتحادیه اروپا در پایان این بیانیه از این اقدام استقبال کرده و آن را نشانه تعهد مشترک کشورها در حمایت از تصمیم شورای اروپا دانسته است.

پیش‌تر و در دهم مهرماه نیز وزیران خارجه گروه هفت در بیانیه‌ای اعلام کردند: «ما وزیران خارجه گروه هفت، شامل کشورهای کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلیس و آمریکا و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در حمایت از فعال‌شدن مکانیسم ماشه توسط ژئوتیپ‌ای اروپا برای بازگردان تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و سایر محدودیت‌ها علیه ایران متحد ایستاده‌ایم، این اقدام نتیجه ناکامی مداوم ایران در اجرای الزاماتش ذیل برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است.» وزیران خارجه گروه هفت مدعی شدند که «از بازگشت اجرای دوباره قطع‌نامه‌های لغوشده (۲۰۰۶) (۲۰۰۶) ۱۷۳۲، (۲۰۰۷) (۲۰۰۷)، ۱۷۴۷، (۲۰۰۸) ۱۸۰۳، (۲۰۰۸) ۱۸۳۵ و (۲۰۱۰) ۱۹۲۹ (به وقت گرینویچ) ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵ (پنجم مهر) حمایت می‌کنیم.»

در سوی دیگر ماجرای یارکشی‌های دیپلماتیک، کاظم غریب‌آبادی هم طی گفت‌وگویی خبر داد: «در نشست وزرای خارجه جنبش عدم تعهد، بیش از ۱۲۱ کشور تأکید کردند که قطع‌نامه باید به طور رسمی تأیید یابد.» همین غریب‌آبادی: «ایران تأکید دارد تحریم‌های شورای امنیت که آمریکا و اروپا با مکانیسم موسوم به ماشه بازگردانده‌اند، هیچ وجاهت حقوقی ندارند و کشورهای عضو سازمان ملل الزامی به اجرای آن ندارند.» معاون وزیر امور خارجه این را هم تصریح کرد: «با پایان قطع‌نامه، وضعیت موضوع ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز تغییر نمی‌کند و از این پس مدیرکل آژانس دیگر ملزم به ارائه گزارش درباره برجام نخواهد بود.»

#### کوروش احمدی: منافع ملی ایجاب می‌کند خود را از زندان گذشته خلاص کنیم و بر حال و آینده متمرکز شویم

با توجه به دو روایت متضاد از پایان برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱، کوروش احمدی در گفت‌وگو با «شرق» اعتقاد دارد: «بحث درباره این موضوع را باید از دو بند ۹ و ۶ قطع‌نامه ۲۲۳۱ شروع کنیم. در بند ۸ تصریح شده که در ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) قطع‌نامه ۲۲۳۱ منقضیه خواهد شد، هیچ‌یک از قطع‌نامه‌هایی که در بند ۹» همین قطع‌نامه لغو شده‌اند، اجرا نخواهند شد، بررسی برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت خاتمه خواهد یافت و این موضوع از دستور کار شورای امنیت حذف خواهد شد. اما بند ۹ می‌گوید اگر قطع‌نامه‌های قبلی مطابق بند ۱۲ همین قطع‌نامه بازگردانه شده باشند، مفاد بند ۸ اجرا نخواهد شد. به این ترتیب، ما اکنون به لحاظ حقوقی عراقچی با استدلالی که در این رابطه دوباره شده است، با چنین خوانشی، این دیپلمات پیشین کشور ادامه داد: «از یک طرف ایران به همراه چین و روسیه و حداقل دو عضو غیردائمی شورای امنیت، یعنی پاکستان و الجزایر که در دو رای‌گیری در شورا جانب ایران را گرفتند، قاعدا بازگشت شش قطع‌نامه را به رسمیت نمی‌شناسند و در مقابل کشورهای غربی و برخی دیگر و نیز دبیرخانه سازمان ملل از بازگشت قطع‌نامه‌ها سخن می‌گویند. اخیراً شش کشور عرب خلیج فارس و اتحادیه اروپا نیز در یک بیانیه مشترک از بازگشت قطع‌نامه‌ها سخن گفتند.» به گفته این تحلیلگر حوزه برجام: «با توجه به این دو روایت حقوقی باید منظر ماند و دید که در عمل چه اتفاقاتی خواهد افتاد. مطابق ماده ۲۵ منشور، اعضای سازمان ملل ملزم به اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت هستند. اکنون باید دید



که چه کشورهایی در عمل اقدام به درج محتوای قطع‌نامه‌های شش‌گانه در مقررات داخلی خود خواهند کرد. همین‌طور در قطع‌نامه‌ها وظیفه گزارش‌دهی درباره اجرای قطع‌نامه‌ها نیز برای اعضای سازمان ملل مقرر شده است. باید دید که چه کشورهایی گزارش خواهند داد.»

احمدی در ادامه خاطرنشان کرد: «در این فضای مبهم، همیشه در طول تاریخ، تلاش همه کشورهایی که تأمین منافع ملی در مرکز توجهشان قرار داشته، این بوده که از بهترین‌های همه جهان‌ها، اعم از شرقی و غربی و شمالی و جنوبی، بهره‌مند شوند. تنها در مواقعی معدود کشورهایی که اولویت خود را در چارچوب قرارگرفتن در مدار این یا آن ابرقدرت تعریف کرده بودند، از این قاعده عدول می‌کردند. تجربه نیز ثابت کرده که فقط در وضعیت رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، امکان دریافت بهترین و بیشترین امتیازات از آنها می‌تواند وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در مقطعی روسیه آمریکا بیشترین رقابت را با هم برای فروش تسلیحات پیشرفته به ترکیه داشتند و اکنون هند در مرکز رقابت مشابهی قرار گرفته است. سیاست خارجی متوازن تنها الگویی است که امکان استفاده از امکانات هر دو قطب و همه جهان را می‌دهد.»

دیپلمات اسبق کشورمان در سازمان ملل به «شرق» می‌گوید: «درمورد قطع‌نامه‌هایی که غربی‌ها و سازمان ملل ادعای بازگشت آنها را دارند، باید دید که کشورها در عمل چه خواهند کرد. قطع‌نامه‌های تحریمی وقتی تصویب می‌شوند الزاماتی را برای کشورهای عضو سازمان ملل ایجاد می‌کنند. از جمله اینکه مفاد این قطع‌نامه‌ها باید در مقررات داخلی اعمال شوند و اشخاص و نهادهای تحریم‌شده باید در لیست تحریمی کشورها وارد شوند. کشورها همچنین الزام به گزارش‌دهی دارند. در درجه اول، اقدام یا عدم اقدام در این موارد موضع کشورها را روشن خواهد کرد. در درجه دوم، مهم است که آیا کشورها در عمل به مفاد این قطع‌نامه‌های شش‌گانه عمل خواهند کرد یا خیر. مثلاً باید دید که آیا چین و روسیه در حوزه‌های ممنوعه علناً و رسماً با ایران کار خواهند کرد یا خیر. تا آنجا که به روسیه و چین برمی‌گردد، نحوه برخورد آنها با وظایف کمیته تحریم و پنل کارشناسی نیز مهم است. به باور این کارشناس: «کار کمیته تحریم با اجماع همه اعضای ۱۵گانه باید انجام شود و حتی یک کشور عضو غیردائمی شورا نیز می‌تواند مانع تصمیم‌گیری در کمیته شود. به‌علاوه، پنل کارشناسی که باید دوباره توسط شورای امنیت ایجاد شود، می‌تواند با مانع وتوی چین و روسیه مواجه شود. طبق روسیه و چین در قضیه کره شمالی مشکلاتی در انجام کار کمیته ۱۷۱۸ ایجاد کرده بودند و سابقه آن موجود است.»

احمدی با بازخوانی تاریخ ۱۰ساله برجام، تصریح می‌کند: «قطعاً آمریکا با خروج از برجام بیشترین ضربه را به برجام زد. اروپا در دوره اول ترامپ درمورد خروج آمریکا از برجام با آمریکا همراه نبود و با آن مخالفت کرد و در عمل نیز در آگوست ۲۰۲۰ نقش تعیین‌کننده‌ای در به شکست کشاندن تلاش آمریکا برای بازگرداندن قطع‌نامه‌های ضدایرانی داشت. اروپا همچنین تحریم‌هایی را که بعد از برجام لغو کرده بود، بازنگرداند، اما با توجه به تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، دولت‌های اروپایی امکان اینکه شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی را وادار به کار با ایران بکنند، نداشتند. جنگ اوکراین نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر روابط ایران و اروپا گذاشت. در نتیجه برجام در عمل تضعیف شد، با همه این کارشناس: «بررسی باور احمدی: «ایران می‌توانست با شروع به کار ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری‌اش و خواست او مبنی بر اصلاح برجام، با آمریکا وارد مذاکره شود و ببیند که منظور ترامپ از اصلاح برجام چیست. در آن مقطع صحبتی از توقف غنی‌سازی نبود. ما حداقل می‌توانستیم در یک نشست با طرف آمریکایی از مقاصد و نیات آنها مطلع شویم و تصمیم لازم را از زندان متأسفانه در دوره بایدن نیز امکان احیای برجام وجود داشت و توافق لازم نیز در سه ماه آخر دولت روحانی حاصل شده بود، اما نشد که نشد.»

این مفسر حوزه سیاست خارجی نتیجه می‌گیرد: «به هر حال اکنون اگرچه به‌لحاظ تاریخ‌نگاری و مرور سوابق می‌توانیم بر مقصربایی متمرکز شویم، اما منافع ملی ایجاب می‌کند که خود را از زندان گذشته خلاص کنیم و بر حال و آینده متمرکز شویم و بکوشیم تا حداقل بخشی از آب رفته را به جوی بازگردانیم. من فکر می‌کنم ترامپ دنبال جنگ دیگری نیست و می‌توان از طریق مذاکره با او به یک راه‌حل که برای طرفین قابل قبول باشد، برسیم. اگر این ممکن نشود، یا با خطر انگرذاری اسرائیل بر ترامپ و گرفتن مجوز دیگری برای حمله به ایران مواجه خواهیم بود یا با خطر ادامه نامحدود تحریم‌ها که در شرایط خاص کنونی، تهدید بزرگی برای ایران خواهد بود.»

#### احمد بخشایش اردستانی: باید از گذشته ۱۰ساله برجام درس بگیریم



احمد بخشایش اردستانی هم طی کپ‌وگفت با «شرق» و در تحلیلی جامع از وضعیت امروز برجام و پایان قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تصریح کرد: «امروز جامعه جهانی عملاً دوباره شده است؛ در یک سو آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارند و در سوی دیگر محور شرق دیگر زیر بار انحصار غرب نمی‌روند. بنابراین به گفته نماینده مجلس دوآردهم: «در ظاهر غربی‌ها می‌گویند شش قطع‌نامه تحریمی بازگشته است، اما در عمل نه سازوکار اجرایی دارند و نه اجماع سیاسی لازم برای اعمال آن. لذا تحریم‌ها روی کاغذ معنا دارند، اما در میدان واقعی اقتصاد و روابط بین‌الملل عملاً بی‌اثر شده‌اند، چون چین، روسیه و بیش از ۱۲۰ کشور عضو جنبش عدم تعهد آن را به رسمیت نمی‌شناسند.»

#### خبر

#### در نامه‌ای به رئیس‌جمهور قالیباف قانون پیوستن ایران به CFT را ابلاغ کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی، قانون پیوستن ایران به کنوانسیون CFT را ابلاغ کرد. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده (کنوانسیون) بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» را مطابق اصل ۱۲۳ قانون اساسی ابلاغ کرد.

#### نماینده فعلی و نماینده پیشین به حبس محکوم شدند

یک نماینده سابق و یک نماینده فعلی مجلس به حبس و منع فعالیت‌های رسانه‌ای محکوم شدند.

قوه قضائیه اعلام کرد: در ماه‌های گذشته یک فعال سیاسی و نماینده پیشین مجلس در یک برنامه تلویزیونی ادعایی درباره ارتباط یک خانم با شخصیت‌های سیاسی کشور مطرح کرد که این ادعا در رسانه‌ها بازخورد منفی بسیار زیادی داشت.

در پی طرح این ادعا، نماینده سابق مجلس برای ارائه مدارک و مستندات به مرجع قضائی احضار شد که به دلیل عدم ارائه مدارک و مستندات معتبر در مورد اظهاراتش، کیفرخواست از سوی دادسرا صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارجاع شد.

در همان زمان این فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده سابق مجلس، مجدداً با حضور در یک برنامه تلویزیون اینترنتی وابسته به یکی از مؤسسات مطبوعاتی کشور، ادعاهای قبلی خود را تکرار کرد که درباره این موضوع نیز برای این رسانه و فعال سیاسی پرونده قضائی تشکیل شد. پس از رسیدگی به پرونده در دادگاه، حکم مقتضی صادر شد. طبق حکم صادرشده نماینده سابق مجلس به ۱۴ ماه حبس محکوم شد که این حکم به مدت چهار سال به صورت تعلیقی خواهد بود.

این نماینده سابق مجلس همچنین به دو سال منع فعالیت رسانه‌ای اعم از مصاحبه با رادیو و تلویزیون و انتشار هرگونه مطلب در رسانه‌ها، پایگاه‌های خبری و... محکوم شد. براساس حکم صادرشده از سوی دادگاه کیفری یک استان تهران، مدیرمسئول رسانه‌ای که ضمن گفت‌وگو با این فعال سیاسی، ادعاهای کذب او را پخش کرده بود نیز به پرداخت جزای نقدی محکوم شد. احکام صادرشده قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه است.

#### یک نماینده مجلس به اتهام تشویش آذهان عمومی به سه ماه و یک روز حبس محکوم شد

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی که چندی پیش اظهارات خلاف امنیت ملی مطرح کرده بود، به سه اتهام تشویش آذهان عمومی، به حبس و منع فعالیت رسانه‌ای محکوم شد. چندی پیش اظهارات خلاف امنیت ملی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی درباره جنگ تحمیلی ۱۲روزه در یک گفت‌وگوی اینترنتی موجب تشویش آذهان عمومی شده بود که با شکایت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و اعلام جرم دادستانی تهران همراه شد. همچنین براساس قانون، درباره اظهارات این نماینده مجلس استعلام لازم از هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس اخذ شد که در پاسخ به دستگاه قضائی اعلام شد اظهارات این نماینده مجلس در چارچوب وظایف نمایندگی نبوده است. بر همین اساس، در پی تشکیل پرونده در شعبه بازپرسی، کیفرخواست پرونده در شعبه بازپرسی، کیفرخواست او به اتهام تشویش آذهان عمومی صادر و پرونده با قرار جلب دادرسی به دادگاه ارسال شد. پس از رسیدگی به این پرونده، حکم از سوی دادگاه صادر شد. براساس حکم دادگاه، این نماینده مجلس به سه ماه و یک روز حبس محکوم شد که حکم صادرشده به مدت سه سال به صورت تعلیقی است. همچنین براساس حکم دادگاه، این نماینده مجلس به دو سال منع فعالیت رسانه‌ای و انجام مصاحبه و انتشار مدیرمسئول رسانه منتشرکننده اظهارات خلاف امنیت ملی این نماینده مجلس نیز به پرداخت جریمه نقدی محکوم شده است. احکام صادرشده در دادگاه تجدیدنظر قابل تجدیدنظرخواهی است.